

دکتر جفری هادون، باستان‌شناسی کتاب مقدس جلسه 20، باستان‌شناسی قرن هشتم بزرگ

جفری هادون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر جفری هادون و تدریس او در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس هشتم. این جلسه بیستم باستان‌شناسی قرن هشتم بزرگ است.

بسیار خب، ما بیشتر عصر آهن را پوشش داده‌ایم، اما حالا می‌خواهم روی یک قرن بسیار تأثیرگذار و مهم از عصر آهن تمرکز کنم.

ما به طور خلاصه آن را بررسی کردیم، اما در این سخنرانی ویدیویی به طور عمیق به آن خواهیم پرداخت. این قرن هشتم پیش از میلاد است و باستان‌شناسان آن را عصر آهن ۲ می‌نامند و تقریباً تاریخ‌های موجود در آن، اولین تاریخ، تاریخ من است، اما من، اما اکثر محققان حدود ۸۰۰ تا ۷۰۱ را می‌گویند. من آن را ۷۹۲ در نظر می‌گیرم زیرا این تغییر از آمازیا به عزیا در نتیجه شکست در بیت شمش و برده شدن آمازیا به عنوان اسیر جنگی به سامره است. بسیاری از مردم آن را قرن هشتم بزرگ می‌نامند و مهمترین آنها محقق فقید فیلیپ، هشتمین، بزرگترین قرن‌ها، JBL را ایراد کرد و آن را در SBL کینگ بود که در دهه ۱۹۸۰ سخنرانی رئیس منتشر کرد و قطعاً استدلالی وجود دارد که این می‌تواند درست باشد.

در قرن هشتم چه می‌گذرد؟ قرن بسیار پرآشوب است و با تجدید حیات پادشاهی شمالی و پادشاهی جنوبی اسرائیل و یهودا، آغاز می‌شود و از حدود سال ۷۹۰ تا ۷۴۰، هر دو پادشاهی بسیار بسیار قوی شدند و قدرت خود را نشان دادند و هم از نظر سیاسی، هم از نظر مرزهای سیاسی و هم از نظر قدرت اقتصادی خود را گسترش دادند. این واقعاً از برخی جهات، دومین عصر طلایی است که پس از سلطنت متحد فرهنگ و جامعه اسرائیلی و یهودی آغاز شد و این دوران در برخی از پیامبران، به ویژه هوشع، عاموس و بخش مهم اشعیا ۵، مورد نقد، توجه و انتقاد قرار گرفته است. اکنون، پس از سال ۷۴۰، همه چیز تغییر می‌کند. آشوریان با شروع پیشروی تیگلات-پیلسر سوم و فتح جلیل و تبدیل پادشاهی شمالی به یک دولت کوچک در شرق بین‌النهرین، شروع به قدرت‌نمایی و سر و صدا می‌کنند.

این قرن با حمله سناخریب و ویرانی دوباره در سراسر پادشاهی یهودا و پادشاهی‌های کوچک منطقه‌ای به پایان می‌رسد، و آنها به عنوان دست‌نشانده به این پادشاه آشوری تسلیم می‌شوند، با تلفات جانی فراوان و ویرانی‌های عظیم و سپس تبعید بسیاری از مردم. بنابراین، این قرن، قرن بسیار بسیار پرحادثه است، اما همچنین برای تاریخ کتاب مقدس، قرن بسیار مهم به دلیل صداهای نبوی که می‌شنویم و رویدادهای سیاسی، چه خوب و چه بد، که رخ داده است. اول از همه، می‌خواهم به زمینه ژئوپلیتیکی این قرن نگاهی بیندازم.

اول، به مصر نگاه می‌کنیم. باز هم، مصر هنوز در این دوره میانی سوم قرار دارد، بنابراین بین سلسله‌های بیست و سوم و بیست و پنجم تکه‌تکه و تحت کنترل ضعیفی است.

کی. ای. کیچن، مصرشناس برجسته و متخصص دوره میانی سوم، در اثر معروف خود با همین عنوان به این موضوع اشاره می‌کند. مصر تا سلسله بیست و ششم یا سلسله سائیت در اواخر قرن هفتم پیش از میلاد نقش مهمی در امور بین‌المللی ایفا نمی‌کرد. بنابراین، می‌بینید که به دلیل ضعف مصر در این دوره، این امر به این پادشاهی‌های منطقه‌ای اجازه داد تا برای مدت کوتاهی قوی شوند و نفوذ خود را اعمال کنند.

و این دقیقاً همان کاری است که اسرائیل و یهودا انجام دادند. قدرت بزرگ دیگر، که قدرت بین‌النهرین آشور است، نیز این قرن را بسیار ضعیف آغاز کرد. باز هم، درگیری‌های منطقه‌ای و رهبری ضعیف در نیمه اول قرن، آشور را به شمال بین‌النهرین و در برخی موارد، به محدوده خود نینوا محدود کرد.

و همانطور که قبلاً دیده‌ایم، تنها در دوران سلطنت تیگلات-پیلسر سوم، که در ربع سوم قرن هشتم به سلطنت رسید، آشور خود را به عنوان یک امپراتوری جهانی دوباره مطرح کرد. حال، متخصصان اینجا دی‌جی وایزمن و حییم تدمر هستند. وایزمن در اینجا تصویر شده است.

اثر مهم حییم تدمر در مورد کتیبه‌های تیگلات-پیلسر سوم و برخی دیگر از آثار ذکر شده در اینجا، از جمله اثر گریسون. ما اسناد آشوری زیادی داریم. اسناد تیگلات-پیلسر آشفته، گیج و تکه‌تکه بودند، اما تدمر و شاگردانش آنها را به طرز درخشانی جمع‌آوری کرده‌اند.

در اینجا فهرستی از پادشاهان آشوری قرن هشتم آمده است که ما اطلاعات بسیار کمی در مورد برخی از آنها تا زمان تیگلات-پیلسر داریم. و از نظر کتاب مقدس، این پادشاهان قطعاً به دلیل کارهایی که در سرزمین اسرائیل انجام دادند، مورد توجه قرار گرفته‌اند. تیگلات-پیلسر دوباره بیشتر جلیل، شمال اسرائیل را فتح کرد.

شلمانسر سوم در زمان سارگون، نابودی پادشاهی شمالی را به پایان رساند. و سپس سناخریب پادشاهی جنوبی را ویران کرد، اگرچه اورشلیم در امان ماند. و می‌توانید تاریخ‌های آنها را نیز ببینید.

این تصویری از آشور در اوج قدرتش است. در واقع مربوط به بعد از قرن هفتم است، زمانی که مصر علیا و سفلی نیز تحت کنترل آشوریان بودند. بنابراین، آشوریان در اوج قدرت خود بسیار قدرتمند بودند، از جمله بخش بزرگی از اورارتو و آسیای صغیر را فتح کردند.

در متن کتاب مقدس قرن هشتم، ما پیامبران و آثار تاریخی، پادشاهان و وقایع‌نگاری‌ها را می‌بینیم. البته، یونس باز هم، زمینه‌ای مربوط به اوایل قرن هشتم برای کتاب یونس است، جایی که او به نینوا می‌رود و موعظه می‌کند. عاموس، باز هم، یک یهودی است که به بیت‌ئیل می‌رود و موعظه می‌کند و علیه اسرائیل و سایر ملت‌ها علیه اسرائیل و سایر ملت‌ها موعظه می‌کند.

هوشع، پیامبری شمالی که خدا به او می‌گوید برای زنده ماندن با یک فاحشه ازدواج کند، نمونه‌ای از نحوه برخورد اسرائیل با خدا است. و البته، پیامبر بزرگ، اشعیا، احتمالاً عضوی از خاندان داوود، پیامبری درباری در کاخ اورشلیم و نویسنده‌ای درخشان. نیمه اول نبوت او، باز هم، منعکس‌کننده شرایط اواخر قرن هشتم است.

و در نهایت، میکاه، پیامبری از مردم غرب یهودا، در شفله، دوباره آخرین پیامبر از این پیامبران است که بینش زیادی در مورد آنچه در پادشاهی یا این پادشاهی‌ها، باید بگویم، در طول این قرن بسیار جالب می‌گذرد، ارائه می‌دهد. یوئیل و عبودیا، آن تاریخ‌ها نامشخص هستند و احتمالاً دیرتر، بنابراین در اینجا در این فهرست گنجانده نشده‌اند. اکنون، قرن هشتم با نوعی وضعیت بسیار بد آغاز می‌شود.

آمازیا، پادشاه یهودا، در ادوم لشکرکشی می‌کند و مزدوران اسرائیلی را با خود دارد. او آن مزدورانی را که از عدم پرداخت حقوق و عدم پایبندی به قراردادشان عصبانی هستند، اخراج می‌کند و بنابراین برخی از شهرهای یهودا را غارت می‌کنند. آمازیا و یهوآش اسرائیل سخنانی رد و بدل می‌کنند که باید بگویم، ناخوشایند هستند و دو ارتش اسرائیل و یهودا در بیت شمش، در شفله، در دره زوریخ، با هم روبرو می‌شوند و یهودا شکست می‌خورد.

علاوه بر این، یهودا توسط ارتش یهوآش ویران می‌شود، خود اورشلیم غارت می‌شود و دیوارهای اورشلیم فرو می‌ریزند، و این اصطلاح در اینجا به نوعی به معنای فروپاشی یا فرو ریختن توسط ارتش اسرائیل است. بنابراین، این اتفاق، بدیهی است که برای یهودا بد است. آمازیا به عنوان گروگان گرفته می‌شود و به سامره بازگردانده می‌شود، بنابراین پسرش، به همراه مشاورانش، البته عزیا، پادشاهی یهودا را به دست می‌گیرد.

جالب اینجاست که بیت شمش که از این نبرد پدید آمده، مستحکم نیست و به نظر من، این به طور ضمنی به این واقعیت اشاره دارد که بعدها در همان قرن، یهودا گسترش یافت و دیگر مانند سال‌های طولانی، یک شهر مرزی نبود. علاوه بر این، وقتی عزیا قدرت را به دست می‌گیرد و آمازیا به دلیل گروگان بودن از سلطنت برکنار می‌شود، این یک تصادف جالب است زیرا شما یک لایه تخریب در محل دارید و در همان لحظه، دقیقاً در همان رویداد، تغییر در پادشاهان را مشاهده می‌کنید. بنابراین، می‌توانید یک لایه تخریب را با سلطنت یک پادشاه جدید مرتبط کنید و با کمک ادوین تیله، که اعداد اسرارآمیز پادشاهان عبری را نوشت، می‌توانیم به تاریخ بسیار دقیقی برای آغاز دوره آهن ۲ اشاره کنیم که من آن را ۷۹۲ قرار داده‌ام، یعنی زمانی که این رویداد رخ داده است.

و این چیزی است که ما در مورد آن صحبت کردیم، چیزی که من به آن اشاره کردم. این مروری بر بیت شمش با کاوش‌های مدرن انجام شده توسط دانشگاه تل آویو است، و این واقعیت که این دو رویداد با هم مرتبط ایجاد B به آهن 2 هستند، تغییر پادشاه و یک لایه تخریب، یک نشانه یا خط ایده‌آل برای تغییر از آهن 2 می‌کند. من می‌خواهم مدتی را صرف صحبت در مورد یک مکان بسیار شناخته شده در ادبیات باستان‌شناسی. و کتاب مقدس کنم، و آن مکان کوتیله است. آجرود

، ما قبلاً به آن اشاره کردیم. آجرود مکانی بسیار دورافتاده در شرق سینا است. می‌توانید نقشه آن را اینجا ببینید، و درست در سمت مصری مرز سینا با اسرائیل قرار دارد.

اما باز هم، در طول دهه ۱۹۷۰، اسرائیل بر سینا کنترل داشت، و بنابراین آنها هیئت‌های مختلفی را برای بررسی بقایای باستان‌شناسی این منطقه بسیار بایر اعزام کردند. و یکی از این محققان، زئبو مشل بود، و او در یک قلعه بسیار دورافتاده حفاری‌هایی انجام داد. می‌توان آن را قلعه نامید.

این موضوع حتی مورد بحث و جدل قرار گرفته است. آنها از طریق این کاوش‌ها در اواسط دهه ۷۰ میلادی دریافتند که این سازه مزوی با دیوارهای قلعه‌ای، تنها برای مدت زمان بسیار کوتاهی، اواخر قرن نهم و اوایل قرن هشتم پیش از میلاد، مسکونی بوده است. علاوه بر این، مجموعه سفال‌های این قلعه ترکیبی از اشکال شمال اسرائیل و اشکال یهودیت و همچنین اشکال دیگری از ساحل و شاید حتی از مصر، اگر درست به خاطر بیاورم، را در خود جای داده است.

یافته‌های کوچک و بقایای اینجا به طرز فوق‌العاده‌ای حفظ شده بودند و این بسیار مهم بود. آنچه پیدا شد برای درک تاریخ این دو پادشاهی بسیار بسیار مهم بود. اکنون، ۹۵ تا ۹۹ درصد تمرکز بر این مکان، کتیبه‌هایی است که بر روی کوزه‌های انبار یا پیتویی نوشته شده‌اند که در محفظه دروازه داخلی یافت شده‌اند.

اما به نظر من، اینها واقعاً از نظر اهمیت در درجه دوم اهمیت قرار دارند. حال، این کتیبه‌ها سنگ نبشته یا دعا بودند و شامل عبارات یهوه سامری و اشره او می‌شدند. و البته، ما قبلاً آنها را در خربت القم دیده‌ایم، و به نظر می‌رسد این نشان دهنده یک دیدگاه تلفیقی از خدا، ترکیبی از ایمان کنعانی و یهوه‌پرستی است.

و باز هم، به نظر می‌رسد که خط و املای اینجا شمالی است. بنابراین، آنچه در اینجا می‌بینید یک پادگان شمالی اسرائیلی است که ظاهراً با یک پادگان یهودی در مرز مصر خدمت می‌کند، و وقتی به طور خاص در مورد عزیا، سلطنت عزیا، صحبت کنیم، بیشتر ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد. اما به نظر من، ادبیات

هیجان‌انگیز درباره خدا و همسرش، خدا و همسر کنعانی‌اش، در مقایسه با واقعیت پیامدهای ژئوپلیتیکی این مکان که به نظر می‌رسد به طور مشترک توسط یهودیان و اسرائیلی‌ها در مرز مصر پادگان‌بندی شده است، ماهیت ثانویه دارد.

بعداً بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. سلطنت یربعام اسرائیل بسیار مرفه بود. او نیز بخشی از سلسله ییهو بود و توانست مرزهای پادشاهی شمالی، از جمله بخش‌هایی از ماوراء اردن، تا سوریه، تا منطقه آرامیان و دمشق را گسترش دهد.

اما کتاب مقدس خیلی خیلی مختصر و مفید توصیفاتی از دوران سلطنت او ارائه می‌دهد. و اصطلاحاتی مانند لبو حمات وجود دارد که ممکن است به معنای ورودی حمات یا یک مکان واقعی باشد. اما واضح است که این دوران، سال‌های پررونقی در دوران سلطنت طولانی او بوده‌اند.

البته، این هم مدلی از مجدو است که مجدو را در اوایل قرن هشتم به تصویر می‌کشد. ما قبلاً در مورد مهر شماع، خدمتکار یربعام، قطعاً یربعام دوم، و عاج‌های سامره صحبت کردیم. همه اینها مربوط به دوران سلطنت او هستند.

بنابراین، این یک سلطنت بسیار مهم بود، اما در عین حال، اطلاعات بسیار کمی در مورد آن وجود داشت. اکنون، ما یک سخنرانی پاورپوینت ویژه در مورد عزیا خواهیم داشت، اما او نیز در این مدت بسیار بسیار موفق بود. پادشاه یهودا، که وقتی آمازیا به گروگان گرفته شد، قدرت را به دست گرفت و سلطنت طولانی ۵۲ ساله با موفقیت زیادی داشت.

سپس اوضاع شروع به فروپاشی کرد و اولین پادشاهی که پس از عزیا سلطنت کرد، پسرش یوتام بود. او ظاهراً پادشاهی داشت که موفقیت پدرش را ادامه داد، اما پس از او آحاز، که پادشاهی ضعیف بود، روی کار آمد. و در دوران سلطنت او بود که فلسطینیان از غرب شروع به حمله به یهودا کردند.

دشمن قدیمی که از زمان سلطنت متحد و قبل از آن وجود داشت، شروع به ظهور کرد و بخشی از شغلائی غربی را تصرف کرد. علاوه بر این، آحاز به آشوریان بسیار نزدیک بود و به خراجگزار تیگلات-پیلسر تبدیل شد و از آشوریان در برابر فشار سایر پادشاهی‌های منطقه‌ای برای مقاومت در برابر آشور کمک خواست. و این باعث آغاز جنگی به نام جنگ سوری-افرایمی شد که در اشعیا ۷ به آن اشاره شده است. و بنابراین به جای اینکه وقتی اشعیا می‌گوید، به خداوند توکل کنید و به آشوریان یا هیچ کس دیگری توکل نکنید، آحاز ضعیف می‌شود و برای کمک به آشور می‌رود.

حالا، متنی جدیدتر در دوم پادشاهان ۲۰ و اشعیا ۳۸ وجود دارد که در آن اصطلاحی به نام ساعت آحاز وجود دارد. این اصطلاحی است که در دوران سلطنت حزقیا استفاده می‌شده و به اعتقاد یادین و دیگران نمایانگر نوعی ساعت آفتابی است، شما آن را چه می‌نامید؟ یک ساعت آفتابی که دو ردیف پله بود که در بالا به هم متصل می‌شدند. این نوعی بازسازی هنری از چیزی است که ممکن است برای نشان دادن زمان به نظر می‌رسیده است.

شاید آحاز این را پیدا کرده یا وقتی که از دمشق بازدید کرد و محراب زیبای آشوری را دید که می‌خواست در اورشلیم از آن کپی کند، آن را کشف کرد. شاید او این را هم دیده باشد و بنابراین این راه، یک ساعت آفتابی بزرگ، فکر می‌کنم بتوانید آن را ساعت آفتابی بنامید، برای کاخ خود ساخته باشد. البته، این موضوع بعداً در یک زمینه بعدی در دوران سلطنت حزقیا ذکر شده است.

در واقع، دوباره، یک مهر یا نشان با نام آحاز روی آن داریم. و دوباره، این تصویری از لباس‌های اواخر دوران فلسطین یا لباس‌های اشدودی از آن زمان است که فلسطینی‌ها هنگام حمله به یهودا از آن استفاده می‌کردند. سقوط اسرائیل در قرن هشتم اتفاق افتاد و شما شاهد هستید که شلمانسر پنجم، پادشاه آشوری، سارگون دوم، سرانجام این شهر بزرگ سامره را که احتمالاً از برخی جهات بزرگتر و چشمگیرتر از خود اورشلیم بود، نابود کرد.

و دوباره، تمام جمعیت پس از این جنگ طولانی تبعید می‌شوند. محاصره و پادشاهی شمالی دیگر وجود ندارند. و جانشینان تیگلات یا تیگلات-پیلسر، این دو پادشاه، شلمانسر و سارگون، مردمانی را از استان‌های شمالی آشور به این سرزمین آوردند تا جایگزین مردمی شوند که تبعید کرده بودند.

و از این رو ما آغاز سامری‌ها را داریم، این به اصطلاح نژادهای دورگه از مردم که پس از سقوط سامره در شمال اسرائیل ساکن شدند. اکنون، در طول قرن هشتم، اورشلیم نیز رشد نمایی را تجربه کرد. همانطور که قبلاً دیده‌ایم، شهر داوود، تا زمان سلطنت داوود، هسته اورشلیم بود.

این شهر اورشلیم بود، تپه‌ای شرقی به شکل هات داگ که مستحکم و بر روی آن ساخته شده بود. سلیمان آن را گسترش داد، از جمله اوئل و کوه معبد، کوه موریا. اما در قرن هشتم، و به گمان من در اوایل قرن هشتم، شاید حتی در اواخر قرن نهم، حومه‌های خارج از دیوار اینجا در تپه غربی وجود داشت.

ضمناً، اینجا املاک و مستغلات بسیار بهتری نسبت به اینجا وجود دارد. اما آنها سرانجام آن را با دیواری مستحکم کردند. و توصیف دیواری که یهواش در اورشلیم ویران کرد دشوار است. آنها طول و تعداد برج‌های آن را توصیف می‌کنند.

باید دیواری بوده باشد که تپه غربی را احاطه کرده است. بنابراین، ممکن است دیواری بوده باشد که در حال ساخت بوده یا اخیراً ساخته شده بوده است. و یهواش، دوباره، از آن عبور کرده و آن را ویران کرده است.

بنابراین عزیا و جانشینانش مجبور به بازسازی آن دیوار شدند. این دیوار منطقه جدید و عظیمی را در بر می‌گرفت و اورشلیم را به طرز چشمگیری گسترش می‌داد، زمانی که تپه غربی و تپه‌ای را که اکنون محله ارمنی‌های شهر قدیمی است، در بر می‌گرفت. بنابراین، شما دوباره در اینجا پیشرفت این نمودارهای کوچک از یک شهر کوچک، داوود، سلیمان، گسترش سلیمانی و سپس پادشاهی بعدی که تپه غربی را محصور کرده است، می‌بینید.

اما سپس در دوره پارسیان، پس از سقوط، هنگام سقوط پادشاهی در سال ۵۸۶، وقتی تبعیدیان بازگشتند اورشلیم را بازسازی کردند، اما فقط این منطقه از اورشلیم. و ما در مورد آن هنگام صحبت در مورد فصل ۳ کتاب نحما صحبت خواهیم کرد. سلطنت حزقیا، یکی از مشهورترین پادشاهان یهودا، دوباره پرماجرا بود. و حزقیا یک خراجگزار بود، یک خراجگزار کوچک آشور، اما در عین حال در حال تقویت این ارتش، تقویت تدارکات خود، تقویت شهرهای خود بود، و ما معتقدیم که او در حال حفر یک کانال آب بود که اکنون تونل حزقیا نامیده می‌شود، و اکنون نیز در مورد اینکه آیا حزقیا واقعاً این را ساخته است یا خیر، بحث شده است.

این کار می‌توانست زودتر انجام شود. طبق دوم تواریخ ۳۲، او قطعاً بخشی از آن را انجام داد. اما او آب را از چشمه جیحون در خارج از شهر به داخل شهر، به داخل استخر سیلوحا آورد، تا مردم تپه غربی و شهر داوود بتوانند بدون بیرون رفتن از دیوار، آب تهیه کنند.

و این یک شاهکار مهندسی فوق‌العاده بود زیرا یک تونل مارپیچ شکل بود که مهندسان هنوز در تلاشند تا بفهمند دقیقاً چگونه آن را انجام داده‌اند. آنها می‌توانستند شکافی در سنگ را که آب از آن نشت می‌کرد یا چیز

دیگری را دنبال کنند، اما آنها توانستند آب را دنبال کنند. دو گروه مختلف از کارگران که از دو انتهای مخالف کار می‌کردند، به نحوی در وسط به هم رسیدند.

یک کتیبه مهم مربوط به این موضوع، کتیبه سیلوئم است که در دهه ۱۸۸۰ توسط کودکان عرب که در آب آنجا بازی می‌کردند، پیدا شد و از صخره بریده و به استانبول فرستاده شد، جایی که امروز نیز باقی مانده است. اما این یک کتیبه ناتمام است. این طولانی‌ترین کتیبه یادبود در یهودا است، اما ناتمام است و باز هم کارگرانی را توصیف می‌کند که از دو سوی مخالف می‌آیند و با هم ملاقات می‌کنند و صداها و سر و صدای یکدیگر را از میان صخره می‌شنوند و به هم می‌رسند و تونل‌ها به هم متصل می‌شوند و آب از جیحون به استخر سیلوئم جاری می‌شود.

اکنون، دروازه‌های سد و کانال سیلوئم نیز در امتداد ضلع شرقی شهر داوود وجود دارد که باغ‌ها را آبیاری می‌کرده است و این ممکن است به زمان آبیاری باغ‌های سلطنتی سلیمان در دره قدرون بازگردد. بنابراین وقایع‌نگار به طور خاص اشاره می‌کند که حزقیا اورشلیم، شهرهای یهودا را تقویت کرد و مقادیر زیادی آذوقه را برای آماده‌سازی شورش که علیه آشور برنامه‌ریزی می‌کرد، جمع‌آوری کرد. او همچنین از مروک، بالادان یا فرستادگان آن حاکم بابلی پذیرایی کرد تا شورش خود را با سایر نیروها هماهنگ کنند.

و البته، این اوج استفاده از کوزه‌های سلطنتی یا لاملک یهودا است که دسته مهر شده دیگری را نیز در آنجا می‌بینیم. حال، در یک لحظه بسیار بسیار مهم در سال ۷۰۵، سارگون دوم در نبرد در ایران می‌میرد، و این برای آشور نشانه بسیار بدی است وقتی پادشاهی در نبرد می‌میرد، و ظاهراً آنها حتی قادر به بازیابی جسد نبودند. و بنابراین، دوباره، آشور به دلیل آنچه انجام می‌دهد، امپراتوری منفوری است، خراج‌گذاران اطراف امپراتوری آن را به عنوان یک ضعف می‌دیدند، که این یک ضعف است، که آشور در حال زوال بود، و بنابراین همه شورش کردند.

و حزقیا طرح‌ریزی کرد و تمام پادشاهی‌های منطقه‌ای اطراف یهودا را به این شورش ملحق کرد. با این حال همه چیز خوب پیش نرفت، زیرا سناخریب ارتش عظیمی را گرد هم آورد و شروع به سرکوب این شورش کرد و در سال ۷۰۱، او از شمال ظاهر شد و از شمال به سمت جنوب شام آمد و در آن زمان بود که متحدان حزقیا، پادشاهی‌های ماوراء اردن، فلسطینیان و پادشاهی‌های فنیقی، همگی به سناخریب حمله کردند و باج دادند و تسلیم شدند. بنابراین، حزقیا اساساً در شورش باقی ماند و سناخریب با ارتش عظیم خود آمد و به طور سیستماتیک شهرهای یهودا را فتح و ویران کرد، که دوباره با لاختیش به اوج خود رسید، که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم.

سپس او به اورشلیم آمد و شهر را محاصره کرد و منتظر جایزه نهایی برای تصرف پایتخت یهودا، شهر بزرگ اورشلیم، بود. و البته، ما می‌دانیم که روایت کتاب مقدس به ما می‌گوید که فرشته خداوند دوباره کل ارتش را نابود کرد. سناخریب بدون ارتش به خانه رفت و در نهایت توسط پسران خودش به قتل رسید.

حالا، دوباره، همانطور که قبلاً اشاره کردیم، شواهد و لایه‌های عظیمی از ویرانی در سراسر پادشاهی یهودا وجود دارد که به این لشکرکشی سناخریب نسبت داده می‌شود. این یک تاریخ بسیار مهم و خط قرمز در باستان‌شناسی کتاب مقدس است. حالا آنچه اینجا می‌بینیم یک مهر اخیراً کشف شده با نام حزقیا، پادشاه یهودا، ملوک یهودا، در پایین آن است.

و بنابراین این یک مهر شخصی است. ما چندین نسخه از این داریم. ما در مورد نقش مهر بیت لحم صحبت کردیم که احتمالاً مربوط به همین زمان است.

اما چیزی که هنوز در مورد آن صحبت نکرده‌ایم، این کتیبه مقبره است که توسط چارلز کرمونت- گانو در سیلوان، آن روستای عرب‌نشین درست روبروی شهر داوود در آن سوی دره قدرون، کشف شد. سیلوان در عهد عتیق، گورستان یا یکی از گورستان‌های اورشلیم بود. و بسیاری از خانه‌های امروزی آنجا اتاق‌های پشتی دارند که در واقع اتاق‌های مقبره‌ای هستند که در سنگ کنده شده‌اند.

بنابراین کرمونت- گانو در دهه‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰ در حال جستجو و مطالعه‌ی تمام مقبره‌های آنجا بود که این کتیبه را پیدا کرد. او آن را به عنوان یک کتیبه تشخیص داد، اما نمی‌توانست آن را بخواند. شکل آن بسیار فرسوده و آسیب‌دیده بود.

می‌توانید آسیب را اینجا ببینید. این سوراخ احتمالاً برای تیر سقف بریده شده بود، اما او متوجه آن شد و آن را در جای خود باقی گذاشت. اما بعداً، آن را بریده و به موزه بریتانیا فرستادند. در موزه بریتانیا بود که یک محقق جوان اسرائیلی به نام ناخن آویگاد، در دهه ۱۹۵۰، این را دوباره مطالعه کرد و توانست متن را رمزگشایی کند.

و می‌گوید این مقبره‌ی شبناياهو یا ياهو است. به دلیل این سوراخی که اینجا کنده شده، بخش اول نام را نداریم. چه کسی بر خانه نظارت دارد؟ این یک اصطلاح عبری برای مقبره‌ی مباشر سلطنتی است.

اینجا چیزی جز جسد او و جسد همسر کنیزش نیست. نفرین بر مردی که این مقبره را باز کند. و این خیلی چیزها را به ما می‌گوید.

اول از همه، شخصی که مباشر سلطنتی است و نام يهوهی آن ياهو یا ياه در انتها است، باید در زمان حزقيا، شبنا، شبناياهو باشد. اشعيا، در فصل ۲۲، حتی در مورد همین شخص دقیق اظهار نظر می‌کند و ممکن است هنگام اظهار نظر در مورد مباشر سلطنتی، در شهر داوود ایستاده و به مقبره او اشاره کرده باشد. این همچنین به ما می‌گوید که یک يهودی معمولی می‌توانست بخواند؛ آنها باسواد بودند زیرا به مردم هشدار داده شده بود که از مقبره دور بمانند و آن را باز نکنند.

این یک یافته بسیار مهم بود، یک دستاورد باورنکردنی از آویگاد در آن مرحله اولیه از حرفه‌اش که در واقع آن را رمزگشایی کرد و آن کتیبه را خواند. حمله سنحاریب به يهودا دوباره در این منشورها مستند شده است، که یکی از آنها را اینجا در موزه هورن داریم، یک نسخه بسیار مهم و البته زیاد، با هر سه متن کتاب مقدس، اشعيا، پادشاهان و تواریخ، همگی این حمله و همچنین خود سنحاریب را مستند می‌کنند.

بنابراین، شما دو نسخه متفاوت دارید، نسخه کتاب مقدس و یک نسخه آشوری، اما هنوز سوالات زیادی در مورد اینکه دقیقاً چه اتفاقی افتاده و چگونه اتفاقات رخ داده است، وجود دارد. و ما در مورد یک اسلاید ارائه شده قبلی در مورد سقوط لاکیش صحبت کردیم. این لاکیش در آستانه حمله سنحاریب است.

و باز هم، این نقش برجسته‌های لاکیش، ماشین محاصره، فتح و تبعید ساکنان لاکیش توسط آشوریان را نشان می‌دهد. و باز هم شعر بایرون. و باز هم، این نکاتی که اینجا دارم، به نوعی سرنوشت نهایی اتفاقاتی است که در طول حمله سنحاریب رخ داده است.

هیچ لایه تخریبی در اورشلیم وجود ندارد، که دوباره رویداد معجزه‌آسای ثبت شده در عهد عتیق را تأیید می‌کند. تنها لایه تخریبی در اورشلیم، تخریب بابل در سال ۵۸۶ توسط نبوکدنصر است. هیچ چیز قبل از آن پیدا نشده است.

آشوری در بیرون دیوارهای اورشلیم جان باختند. جالب است که هرودوت، مورخ یونانی بسیار ۱۸۵۰۰۰ متأخر، روایتی رمزآلود از طاعونی که سریازان آشوری را در منطقه تحت تأثیر قرار داد، ارائه می‌دهد. این می‌تواند خاطره‌ای از این رویداد، یک رویداد کتاب مقدس باشد.

کتیبه‌ها و نقش برجسته‌های سناخریب، اگر نگوییم تصدیق می‌کنند، قویاً دلالت بر این دارند که اورشلیم فتح نشده است. این واقعیت که آشور چنین تخریب سیستماتیک و گام به گامی را در یک پادشاهی انجام می‌دهد و پایتخت را دست نخورده باقی می‌گذارد، به ما می‌گوید که حتماً اتفاق مهمی رخ داده و آنجا را ترک کرده است. بنابراین، یهودا و حزقیا زنده می‌مانند، اما پادشاهی ویران می‌شود و بعداً در زمان سلطنت منسی به یک دولت تابع آشور تبدیل می‌شود.

و البته، ظهور الهیات سلطنتی صهیون، نکته آخر است، که یک الهیات دروغین است که می‌گوید خدا هرگز اورشلیم را ترک نخواهد کرد. اورشلیم را نمی‌توان فتح کرد زیرا خدا در آنجا ساکن است. و متأسفانه بعداً مشخص شد که این ادعا نادرست است.

.خیلی ممنونم

، من دکتر جفری هادون و تدریس ایشان در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس هستم. این جلسه بیستم باستان‌شناسی قرن هشتم بزرگ است.